



گزارش

# اسلاف عربی تانانومی عربی

مارس ۲۰۱۷

رصدخانه روابط بین الملل

ترجمان روز نگاهی است خبری و تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

### سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هرگونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۷ ایمیل: [iwpcf2008@gmail.com](mailto:iwpcf2008@gmail.com)



برخی از دولت‌های عربی «اتوی عربی» می‌نامند منتهی شود. به عنوان نمونه از هم اکنون اختلافاتی بین کشورهای عربی از جمله مصر و عربستان و همچنین بین عراق و لبنان با عربستان و متحدانش آشکار شده است. با این حال صرف تلاش برای تشکیل چنین نیروی یا تشکیل ائتلاف از نوعی که در خلال حمله به یمن دیده شد، خود می‌تواند عاملی برای تغییر توازن منطقه‌ای به ضرر جمهوری اسلامی ایران و یا حداقل ایجاد مشروعیت بین‌المللی برای حملات نظامی باشد.

## هدف از تشکیل ناتوی عربی

پیش زمینه فکری سران عرب تنها مقابله با تحرکات داخلی هست و این در حالی است که این کشورها به شدت به مقابله با تهدیدهای خارجی نیازمند هستند. با تشدید درگیری‌های بین کشورهای عربی و آغاز جنگ عربستان علیه یمن موضوع تشکیل نیروی مشترک کشورهای عربی برای دفاع نظامی در قبال تهدیدات مشترک دوباره بر روی زبان‌ها افتاده است. در ۷۰ سال گذشته که از تشکیل اتحادیه عرب می‌گذرند کشورهای عضو این اتحادیه هیچ‌گاه نتوانسته‌اند بر سر امضای یک میثاق امنیتی و نظامی به توافق مشترک برسند و تصمیماتی را که بر سر آنها اجماع و توافق نظر دارند، عملی کنند. به بیان رساتر هیچ‌یک از تصمیمات و قطعنامه‌های اعراب از جمله اتحادیه عرب دارای تاثیر و بازتابی نبوده‌اند، به جز قطعنامه‌هایی که امور اجتماعی و بهداشتی و آموزشی و مشابه آن را در برگیرد، در حالی که امور سیاسی و ملی و قوی و امور دفاع مشترک و دفاع از امنیت ملی عربی هیچ تصمیم جدی یا اقدام قاطعی انجام نداده، به جز تصمیماتی که به نحوی با حفظ امنیت و موجودیت رژیم‌های سیاسی عربی مربوط باشد. به نظر می‌رسد هدف از تشکیل این نیرو بیش از آنکه مربوط به دفاع از کشورهای عربی در مقابل حملات بیگانه باشد با یک طرح آمریکایی - اسرائیلی هدفی جز اتحاد این کشورها و تجمع امکانات نظامی برای مقابله با اعتراض‌های داخلی و انقلاب‌های داخلی ندارد تا حکام کشورهای عربی بتوانند با تکیه بر یک نیروی نظامی گسترده به راحتی به دیکتاتوری‌های خود ادامه دهند و هراسی از فعالیت‌های داخلی مخالفان نداشته باشند. در این بین اشاره به خطر تروریسم و مقابله با آن به عنوان یکی از اهداف تشکیل این نیرو می‌تواند، توجیهی مناسب برای درخواست کمک حکومت‌ها یا دعوت آنها به دخالت این نیرو در امور داخلی‌اش باشد، چون هر حکومت و نظامی به راحتی می‌تواند، هرگونه خواسته‌های مردمی یا قیام و انقلاب‌های آنان را اقدامی تروریستی توصیف کند که نیازمند دخالت و سرکوب از سوی این نیرو است.

## نقش آمریکا از ناتوی عربی

هزینه‌های سنگین مداخلات نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در اقصی نقاط دنیا از جمله منطقه خلیج فارس، که با سیاست ایران هراسی و ایران ستیزی از سوی آمریکا در منطقه و حتی جهان دنبال می‌شود، آمریکایی‌ها را به این فکر انداخته که یک ناتوی کوچک در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس ایجاد کند. برخی کشورهای عربی منطقه به خاطر سیاست ایران هراسی که آمریکایی‌ها به راه انداخته‌اند، اکنون با جمهوری اسلامی به دشمنی می‌پردازند، یکی از کارهای روزمره این کشورهای عربی منطقه به ویژه عربستان سعودی سخن گفتن علیه ایران است. رسانه‌های سعودی و دیگر رسانه‌های همسو با آنها در منطقه هر روز مطالبی را علیه ایران منتشر می‌کنند و مقامات این کشور هم در سخنان خود مواضع تندی علیه ایران دارند. شورای همکاری خلیج فارس که متشکل از چند کشور حاشیه خلیج فارس است، در اجلاس خود همیشه ایران را متهم به دخالت در امور کشورهای منطقه و بی‌ثبات‌کننده صلح و امنیت معرفی می‌کند. اما واقعیت این است که آنها نگران سرنگونی رژیم‌های سرسپرده و دیکتاتوری خود هستند، چرا که امواج انقلاب اسلامی

به مردم کشورهای اسلامی رسیده است، اگر هم تاکنون مردم کشورهای مسلمان نتوانسته اند بر حکومت های دیکتاتور و سرسپرده خود فائق آیند به عواملی همچون فضای شدید امنیتی، دسترسی نداشتن به اطلاعات و اخبار به روز دنیا، حمایت های گسترده آمریکا و غرب از آنها و فضای رعب و وحشتی است که در جامعه ایجاد شده است. اما با این حال مردم مسلمان اعتراضات خود را آغاز کرده اند. آمریکا اگر کشورهای عربی منطقه را از دست بدهد، باید منطقه خلیج فارس را ترک کند، پایگاه های نظامی خود را تعطیل کند و دیگر هیچ جایگاه و پایگاهی در منطقه نداشته باشد. چنین اتفاقی یک شکست سنگین برای آمریکا خواهد بود که دور از دسترس نیست و به زودی شرایط و تحولات منطقه، این رخداد مهم را رقم خواهد زد. **آمریکا برای این که روند سرعت شکست های خود را در منطقه بکاهد در دوره ترامپ طرح ناتوی عربی را پیشنهاد داده است.** ناتوی اروپایی برای مقابله با اتحاد جماهیر شوری ایجاد شده بود که پس از فروپاشی شوروی، ناتو علیه روسیه وارد عمل شد. اکنون نیز آمریکایی ها برای این که، هم هزینه های خود را کم کنند و هم از ظرفیت های سران کشورهای عربی منطقه بیشتر استفاده ببرند، در سر ناتوی عربی دارند. «ناتوی عربی» گفته شده متشکل از کشورهایی همچون عربستان سعودی، امارات، کویت، قطر، بحرین و برخی دیگر از کشورهای عربی خواهد بود. شاکله این گره نظامی را همان اعضای شورای همکاری خلیج فارس تشکیل خواهد داد. اگر این طرح آمریکا برای تشکیل ناتوی عربی با موفقیت روبرو شود، احتمال پیوستن برخی دیگر از کشورهای عربی می رود. اما یک نکته بسیار مهم وجود دارد که آمریکایی ها هم به آن آگاه هستند و آن بزدلی و ترسو بودن سران کشورهای عربی است. باید بر این نکته اذعان داشت که پیشنهاد دولت تازه کار آمریکا برای تشکیل ناتوی عربی با استقبال سران منطقه روبرو شده است، در این میان سران سعودی و رژیم صهیونیست از همه بیشتر خوشحال هستند چرا که محور دشمنی با ایران عربستان سعودی و صهیونیست ها هستند. اما قدرت این جبهه ضد ایرانی که با نام ناتوی عربی خوانده می شود، آنگونه نیست که در رسانه های عربی به آن پرداخته می شود. ظرفیت کشورهای عربی منطقه به اضافه اسرائیل، باز هم توان مقابله با جمهوری اسلامی ایران را نخواهد داشت. کافی است نگاهی به تحولات منطقه بیندازیم و به تغییرات اساسی و بزرگی که در معادلات آن رخ داده است توجه کنیم آنگاه ظرفیت های موجود در ترازو قرار می گیرد و آنگاه می توان آن را وزن کرد.

### **نقش رژیم صهیونیستی در تشکیل ناتوی عربی**

نخستین بار این ایده بعد از دیدار دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کاخ سفید مطرح شد. رژیم صهیونیست اعلام کرده است که این ایده خوب بوده و از آن حمایت می کند. رژیم صهیونیست در حالی از این طرح حمایت می کند که در طول حیات نکبت بار آن در منطقه مهم ترین نگرانی این رژیم ایجاد تشکل های نظامی در بین کشورهای مسلمان بوده است. بر اساس همین نگرانی هم همواره در مسیر ایجاد تشکل های مشابه نظامی سنگ اندازی کرده است. نقش رژیم صهیونیستی در ناتوی عربی، احتمالا جمع آوری اطلاعاتی خواهد بود و نه آموزش یا اعزام پیاده نظام. آنها اطلاعات و اهدافی که باید هدف قرار گرفته شود را فراهم خواهند کرد. اینها مواردی است که اسرائیلی ها در آن تبحر دارند.

رژیم صهیونیستی نیز با استقبال از تشکیل ناتوی عربی خواهان همکاری با آن شده است. هدف رژیم صهیونیستی معرفی خود به عنوان دوست اعراب و پایمال کردن حقوق فلسطینی ها و دشمنی با ایران است. در همین زمینه لیبرمن بیان داشت: حالا زمان آن رسیده که ائتلافی از همه نیروهای میانه رو را در خاورمیانه علیه ترور بسازیم. در آمریکا نیز درباره تشکیل چنین ائتلافی بحث می شود. وی افزود: برای کشورهای میانه رو سنی مانند عربستان سعودی مشخص شده است

که بزرگترین خطر برای آن‌ها اسرائیل یا صهیونیسم و یهود نبوده بلکه ایران است. لیبرمن دیگر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را هم از جمله سنی‌های میانه‌رو ارزیابی کرده و گفت: فرقی نمی‌کند که شرکای ما در این طرح، مسلمان، یهود یا مسیحی باشند. من اعتقاد دارم که کشورهای میانه‌رو عربی برای حیات خود بیشتر به اسرائیل نیاز دارند. لیبرمن تشکیل یک ائتلاف واقعی ضد ایرانی در منطقه را مانند ناتو همراه با تعهدات واقعی دانسته و با اشاره به ناتو گفت: این ائتلاف مبتنی بر این اصل است که هر کشوری آماده حمایت از دیگران باشد و توسط دیگر کشورها هم مورد حمایت قرار گیرد. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، اسرائیل را قدرتمند ارزیابی کرد که می‌تواند از خود حمایت کند و تاکید کرد که اسرائیل قادر است همچنین به متحدان عرب خود کمک کند.

مقامات واشنگتن واقعا تمایل دارند تا ابتکار عمل آنها در خصوص ایجاد یک بلوک نظامی-عربی بتواند تا به آخر عملی شود و بتواند با اسرائیل هم در این زمینه همکاری داشته باشد. البته رژیم صهیونیستی قصد ندارد بطور مستقیم به این اتحاد ملحق شود، ضمن اینکه با توجه به اختلافات شدیدی که بین تل آویو و برخی از کشورهای عربی، چنین چیزی غیرممکن به نظر می‌رسد، ولی می‌تواند از طریق تبادل اطلاعات با این بلوک نظامی همکاری داشته باشد.

کوروچینکو، سردبیر مجله «دفاع ملی» روسیه، احتمال تبادل اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی در این زمینه را بسیار بعید دانسته و می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که عربستان سعودی حاضر باشد حتی در رابطه با ایران هم به همکاری اطلاعاتی با اسرائیل، حتی از طریق آمریکا، مبادرت ورزد. بطور قطع اتحادیه عرب هم با چنین اقدامی موافقت نخواهد کرد. رئیس جمهوری جدید آمریکا اخیرا جمهوری اسلامی ایران را بعنوان «دولتی تروریستی» نامیده و جالب است که درز اطلاعات در رابطه با قصد واشنگتن برای ایجاد این بلوک نظامی-عربی، دقیقا همزمان با نخستین سفر «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر اسرائیل به آمریکا صورت گرفته است.

### نقش انگلیس و فرانسه در حمایت از ناتوی عربی

باید بر این نکته اذعان داشت که انگلستان نقش به‌سزایی در حمایت از ناتوی عربی دارد زیرا از این طریق با هزینه اعراب امنیت و منافع خود را تامین می‌کند و فروش گسترده تسلیحاتی دارد. به عنوان مثال می‌توان به صحبت‌های خانم ترزار می‌در در اختتامیه نشست سران شورای همکاری خلیج فارس که سی و هفتمین دوره آن در منامه بحرین برگزار شد، اشاره نمود که در آن ایران را تهدیدی آشکار برای منطقه خلیج فارس خواند. وی در این ارتباط گفت: "ما به دنبال شراکت استراتژیک با همپیمانانمان در شورای همکاری خلیج فارس هستیم تا با تهدیدات جدی ایران در منطقه رویارویی کنیم. همکاری استراتژیک با شورای همکاری خلیج فارس برای لندن بسیار حائز اهمیت است و ما تمام تلاش خود را برای ارتقای آن به کار می‌گیریم". نخست وزیر انگلیس قبل از این سخنرانی از پایگاه‌های نظامی این کشور در بحرین دیدار کرد و در میان نظامیان گفت: "نظامیان ما در بحرین برای حفاظت از امنیت خلیج فارس، انگلیس و جهان مستقر هستند و ما به دنبال بالا بردن هرچه بیشتر سطح امنیت در منطقه هستیم. امنیت و ثبات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، امنیت و ثبات انگلیس است. انگلیس در مقدمه هرگونه پروژه‌ای برای دفاع از ثبات و امنیت شرکایش در شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود". ترزا می در بخش دیگری از سخنانش گفت: "ما در رویارویی با داعش نیز به پیشروی‌های زیادی دست یافته‌ایم و باید این پیشروی‌ها در مقابله با هرگونه تلاش ناامن‌کننده و اقدام تروریستی نیز

ادامه یابد. لندن تاکنون میلیاردها پوند برای برقراری ثبات در خلیج فارس هزینه کرده و ما بنا داریم در آینده نیز میلیاردها پوند در این زمینه سرمایه گذاری کنیم". وی همچنین نیت اقتصادی دولت انگلستان را پنهان نکرد و با صراحت بیان داشت: "ما به دنبال تقویت هرچه بیشتر روابط اقتصادی خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستیم و می خواهیم لندن را به پایتخت سرمایه گذاری اسلامی بدل کنیم".

به هر حال آنچه مشخص است و در آخر سخنان خانم می کاملا روشن است به دست آوردن منافع اقتصادی است. به واقع انگلستان از ناتوی عربی حمایت می کند تا با هزینه اعراب امنیت و منافع خود را تامین کند و فروش گسترده تسلیحاتی داشته باشد.

به همین شکل می توان به نزدیکی فرانسه با اعراب و حمایت همه جانبه پاریس از تشکیل ناتوی عربی اشاره کرد. این نزدیکی را می توان نشانه ای از افزایش ارتباط راهبردی فرانسه در منطقه ارزیابی کرد. در ارتباط با دلایل این امر نیز موضوع خلاء قدرت است. همچون موضوع انگلستان، فرانسه در حال پر کردن شکافی است که به دنبال نارضایتی کشورهای عربی خلیج فارس از سیاست های منطقه ای آمریکا ایجاد شده است. بر این اساس نزدیکی جدید فرانسه، به حمایت بی حد و حصر از سیاست های منطقه ای کشورهای حوزه خلیج فارس در مقابل جمهوری اسلامی ایران تعبیر می شود. به عنوان مثال، فرانسه بیش از هر کشور غربی دیگری حمایت کامل نظامی از عملیات نظامی به رهبری عربستان سعودی در یمن انجام می دهد، در حالی که سایرین به طور کلی دولت سعودی را بر اتخاذ راهبرد خروج ملزم می دارند. البته فرانسه منافع اقتصادی قابل توجهی از این حمایت ها به دست می آورد. اولاند در عین رقابت با دیگر کشورهای اروپایی همچون انگلیس، فرانسه را در صف اول جمع کردن منافع مادی حاصل از تنش های منطقه خلیج فارس، نیاز آن ها به حمایت های غرب و تمایل آن ها برای پرداخت هزینه ها و مبالغ بی سابقه قرار داده است. پاریس چه با حمایت کامل از مداخله نظامی در یمن و چه با موضع گیری تند در برابر شرایط ارائه شده به ایران در قالب مذاکرات هسته ای و حمایت از ناتوی عربی توانسته خود را نزدیک ترین متحد غربی کشورهای عربی خلیج فارس نشان دهد و به همان میزان به منافع اقتصادی دست یابد.

به هر حال حضور مجدد کشورهای اروپایی و به خصوص انگلستان در منطقه به بهانه امنیت و همچنین حمایت از ناتوی عربی با عنایت به سابقه تاریخی آنها، به هیچ عنوان در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد. در این زمینه می توان به پیامدهای منفی این امر در سطوح و ابعاد مختلف اشاره نمود.

اول اینکه سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران در سطح خاورمیانه، خروج کشورهای فرامنطقه ای و سپردن امنیت و به خصوص امنیت خلیج فارس به کشورهای منطقه می باشد. بنابراین ورود مجدد انگلستان و فرانسه به بهانه امنیت و تشکیل ناتوی عربی، با توجه به پیوندهای سنتی این کشورها با کشورهای عربی، به هیچ عنوان در راستای منافع بلندمدت کشور قرار ندارد. لازم به اشاره است که انگلستان پیوندهای سنتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد و حتی در تاسیس بسیاری از آنها از جمله بحرین نقش اصلی را ایفا نموده است. ضمن اینکه به شکل تاریخی سیاست انگلستان و فرانسه در خلیج فارس برخلاف منافع بنیادین ایران قرار داشته و در برخی موارد ایران همچنان با عواقب و پیامدهای چنین نقشی

مواجهه است. در این زمینه می‌توان با اختلافات موجود بین ایران و کشورهای عربی و به خصوص با امارات متحده عربی اشاره نمود. تردیدی نیست که بازگشت انگلستان به منطقه می‌تواند به چنین اختلافات تاریخی دامن بزند و به تقویت موضع اعراب در مقابل ایران بینجامد. این موضوع با توجه به اختلافات دامنه‌دار ایران با انگلستان چندان دور از انتظار نیست.

### تحلیل طرح تشکیل ناتوی عربی

تردیدی در این زمینه نیست که طرح تشکیل ناتوی عربی با ایده آمریکا و با هدف ترسان اعراب از قدرت ایران برنامه ریزی شده است. هدف آمریکا از ایجاد چنین ائتلافی بزرگنمایی قدرت و تهدید ایران، از بین بردن وحدت مسلمانان، در اولویت قرار دادن ایران به جای تهدید اصلی یعنی رژیم صهیونیستی و فروش گسترده تسلیحاتی به اعراب است. از سوی دیگر انگلستان و فرانسه نیز با آمریکا همراه شده اند و با تاکید بر قدرت ایران آنرا تهدیدی علیه اعراب معرفی می‌کنند و با قول تامین امنیت منطقه فروش گسترده تسلیحاتی به کشورهای عربی را آغاز کرده اند. نمونه این امر سخنان تند خانم ترزا می علیه ایران در بحرین و در نتیجه آن فروش گسترده تسلیحاتی به کشورهای حاشیه خلیج فارس است. رژیم صهیونیستی نیز با استقبال از تشکیل ناتوی عربی خواهان همکاری با آن شده است. هدف رژیم صهیونیستی معرفی خود به عنوان دوست اعراب و پایمال کردن حقوق فلسطینی ها و دشمنی با ایران است. با این حال ناتوی عربی ره به جای نخواهد برد. علت این امر اختلاف در میان اعراب است. عراق، سوریه و لبنان مخالف طرح هستند و آنرا عاملی برای گسترش اختلافات و در راستای منافع رژیم صهیونیستی می‌دانند. مردم منطقه نیز با طرح های غربی مخالفند و خواهان مقابله با رژیم صهیونیستی و نه ایرانند که تنها کشور واقعا حامی فلسطین است. بر این اساس این ایده نیز در حد شعار و احتمالا چند مانور و نمایش خواهد ماند و بیشتر عملی نخواهد شد.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نخبگان و کارشناسان گرامی خواهیم بود.

صدفانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی